

An Analysis of the Institutional Environment of Migration Management with an Emphasis on the Relevant Higher Order Documents

Behnaz Movahedi

Ph D. Student in Sociology, Department of Economic and Deveioption, Science and Research Branch Islamic Azad university, bssmovahedi@gmail.com

Meysam Mousai

Corresponding Author, Professor of Social science, Department of Planning and Development, Tehran University, mousaaei@ut.ac.ir

Mohamad Kazem Sajjadpour

Professor of Political Sciences , Department of International Relations, Tehran University, smksajjad@yahoo.com

Ebrahim Mottaghi

Professor of Political Science, Department of International Relations, Tehran University, emottaghi@ut.ac.ir

Ali Baghaei Sarabi

Assistant Professor of Department of Social Sciences, Tehran Central Branch, Islamic Azad university, a.baghaeisarabi@iauctb.ac.ir

Abstract

Migration is currently one of the top ten issues in the world and its management has taken a considerable importance. Since Iran as a country of emigrants' origin is facing an outflow of human and economic capital, it is important to recognize and analyze the attitude of the institutional environment towards migration management. According to the neo-institutionalist approach, the governmental higher order documents, as an institutional environment governing migration management, determine other countries' approaches towards the way they take advantage of the opportunities and ensure greater coordination at the level of executive institutions. This paper aims to interpret and analyze the institutional

environment of migration management through thematic analysis method. According to the thematic model of the governmental higher-order documents relevant to the issue, migration management is based on the following four criteria: paying enough attention to human dignity and high humane values, strengthening the social consensus and convergence, participating in and being attracted by the national development, and preventing the emigration of the elite. Three different approaches, namely support-oriented, opportunity-oriented, and threat-oriented ones, with the dominance of the second one, have been deduced from the content of the relevant governmental higher-order documents. The orientation of policies on regulating the migration flow of the skilled labor is mainly based on the participatory policy approach rather than the policy of retention and return. As the obtained results show, it is necessary to introduce a national migration management discourse in all policies and executive programs within the framework of a national strategic migration management document.

Keywords: *Migration Management, Institutional Analysis, Institutional Environment, Governmental Higher – order Documents*

تحلیل محیط نهادی مدیریت مهاجرت به خارج از کشور با تاکید بر اسناد بالادستی^۱

بهناز موحدی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی تهران،
ایران Behnaz.movahedi95@yahoo.com

میثم موسایی

نویسنده مسئول، استاد گروه برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
mousaaei@ut.ac.ir

سید کاظم سجادی‌پور

استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران smksajjad@yahoo.com

ابراهیم متقی

استاد گروه علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران emottaghi@ut.ac.ir

علی بقایی سرابی

استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، تهران، ایران
a.baghaeisarabi@iauctb.ac.ir

چکیده

مهاجرت در حال حاضر در زمره‌ی ده مسئله اول جهان است و موضوع مدیریت آن، اهمیت قابل توجهی یافته است. از آنجایی که کشور ایران به عنوان یک کشور مهاجرفرست با خروج سرمایه انسانی و اقتصادی مواجه است، شناخت و تحلیل نگرش محیط نهادی نسبت به مدیریت مهاجرت اهمیت می‌یابد. مطابق رویکرد نونهادگرایی، اسناد بالادستی بعنوان محیط نهادی ناظر بر مدیریت مهاجرت، نوع رویکرد کشورها را در چگونگی بهره‌گیری از فرصت‌ها و هماهنگی در سطح نهادهای اجرایی تعیین می‌کند. هدف از این مقاله، تفسیر و تحلیل محیط نهادی مدیریت مهاجرت به خارج از کشور با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون است. براساس الگوی مضمونی اسناد بالادستی مرتبط، مدیریت مهاجرت به خارج در کشور مبتنی بر چهار مقوله‌ی «توجه به کرامت و ارزش والای انسانی»، «تقویت وفاق و همگرایی اجتماعی»، «جذب و مشارکت در توسعه ملی» و «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» است. سه رویکرد حمایت‌محور، فرصت‌محور و

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>) است.

تهدیدمحور از مضمون اسناد بالادستی استنتاج شده که رویکرد فرصت‌محور وجه غالب دارد. جهت‌گیری سیاست‌ها در مورد تنظیم جریان مهاجرت نیروی کار ماهر، عمدتاً مبتنی بر رویکرد سیاستی مشارکت است تا سیاست نگهداشت و بازگشت. با توجه به نتایج پژوهش، ایجاد گفت‌وگو ملی مدیریت مهاجرت در کلیه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی در چارچوب یک سند ملی راهبردی مدیریت مهاجرت ضروری است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مهاجرت، تحلیل نهادی، محیط نهادی، اسناد بالادستی

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۰/۲۱ تاریخ بازبینی: ۹۹/۱۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۲۷

فصلنامه راهبرد اجتماعی - فرهنگی، سال ۱۰، شماره ۳۸، بهار ۱۴۰۰، صص ۵-۳۸

مقدمه و بیان مسئله

در دنیای امروز، مهاجرت‌های بین‌المللی یک مسئله‌ی جهانی است و کمتر جایی را در جهان می‌توان یافت که با این پدیده مواجه نشده باشد. مهاجرین بین‌المللی در حال حاضر با رشدی فزاینده، ۳,۵ درصد جمعیت جهانی را تشکیل می‌دهند و فرایندهای مهاجرتی با تغییرات و پیچیدگی‌های خود، علاوه بر تغییر در ساختارهای جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی کشورهای پذیرنده و فرستنده، سیاست‌های مهاجرتی کشورها را نیز به چالش کشانده است.

از آنجایی که مهاجرت‌های خارج از سیاستگذاری و برنامه‌ریزی، می‌تواند آثار سویی برای جوامع مقصد و مبدأ به همراه داشته باشد در سال‌های اخیر، درعرصه‌ی بین‌المللی موضوع مدیریت مهاجرت به طور جدی‌تری مطرح شده، تا آنجا که سال ۲۰۱۸ توسط سازمان ملل، با عنوان «اجماع جهانی برای مهاجرت» نام‌گذاری شد. طبق تعریف سازمان بین‌المللی مهاجرت، «مدیریت مهاجرت»^۱ به اقداماتی باز می‌گردد که توسط دولتها و سازمان‌های بین‌الدولی^۲ در خصوص جنبه‌های مختلف مهاجرت انجام می‌دهند. بر این مبنا در چارچوب ادبیات مهاجرت، نقش نهادهای سیاستگذار یعنی دولتها در چگونگی پرداختن به موضوع مهاجرت پررنگ‌تر می‌گردد. برای کشور ما نیز بعنوان کشوری فرستنده، پذیرنده مهاجرین و همچنین قراردادن در گذر مهاجرتی، موضوع مدیریت مهاجرت اهمیت می‌یابد. به ویژه آنکه همواره مهاجرت جزء لاینفک تاریخ کشور ما بوده و روندهای تاریخی این

1. Migration management

2. IGO

پدیده، اشکال و ابعاد مختلف را به خود گرفته است، بطوری که در وجه مهاجرفرستی اشکال مختلفی از مهاجرت همچون مهاجرت نیروی کار اعم از ماهر و نیمه ماهر، دانشجویان، سرمایه‌گذاران و پناجویی و پناهندگی را به طور فزاینده‌ای شاهد بوده‌ایم و آمارها بیانگر آن است که تنها در یک دوره زمانی ۳۰ ساله، مهاجران ایرانی ساکن در امریکا به ۲ برابر، در آلمان به ۱,۳ برابر، در کانادا ۵,۵ برابر، در انگلستان به ۲,۸ برابر و در سوئد به ۲ برابر رسیده است (پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه شریف، ۱۳۹۹). در این بین روندهای گوناگون مهاجرت‌های بین‌المللی ایرانیان و خروج سرمایه‌های انسانی، علمی، تخصصی و اقتصادی و اثرات و تبعات حاصل از آن بر ساختارهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی، بر اهمیت موضوع مدیریت مهاجرت به خارج از کشور صحنه می‌گذارد و نقش پراهمیت نهاد سیاستگذاری در این عرصه را توجیه می‌نماید. نهادهای سیاستگذار از مهم‌ترین بازیگران عرصه‌ی مدیریت مهاجرت محسوب شده و بعنوان رکنی مهم، محیط نهادی ناظر بر مدیریت مهاجرت را در سطوح اجرایی تحت تأثیر قرار می‌دهند. محیط نهادی در چارچوب سیاست‌ها و خط‌مشی‌ها، بیانگر طرز تلقی و رویکرد کشورها در بهره‌گیری از فرصت‌های حاصل از مهاجرت در فرایند توسعه است و جهت‌گیری آنها را در سایر سطوح نهادی تحت الشعاع قرار می‌دهد. بر همین اساس، کشورهای مختلف در رویارویی با این پدیده سیاست‌های مختلفی را دنبال می‌کنند. بعنوان مثال طبق گزارش سازمان ملل متحد کمتر از نیمی از دولت‌ها (۴۲ درصد)، سیاست‌هایی را به منظور تشویق اتباع دور از وطن خود برای سرمایه‌گذاری در کشور و ۷۲ درصد، سیاست‌هایی را برای بازگشت اتباع خود به مبدأ تدوین کرده‌اند (United Nations, 2017).

با این وصف، تبعات حاصل از اجرای سیاست‌های مهاجرتی می‌تواند نقش مؤثری در ساختار جمعیتی، انباشت و تقویت سرمایه انسانی، جذب سرمایه، رشد و توسعه کشورهای مبدأ و مقصد داشته باشد. از آنجایی که کشور ما در جریان مهاجرفرستی شاهد روند خروج سرمایه‌های انسانی و اقتصادی ارزشمندی بوده است؛ بطوری که در دو فاصله زمانی ۲۰۰۰ و ۲۰۱۵، روند تعداد نیروی کار

متخصص ایرانی در کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ از ۲۵ درصد به ۲۹,۶ درصد افزایش یافته است (DIOC, 2020)، اتخاذ سیاست‌های مهاجرتی همچون بازگشت، مشارکت یا نگهداشت می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر ساختارهای جمعیتی، رشد و توسعه ملی داشته باشد.

برهمن اساس، در چارچوب نهادهای سیاستگذار، اسناد بالادستی همچون قانون اساسی و سیاست‌های کلان همچون سیاست‌های کلی جمعیت، ظرفیت بسیار مؤثری در تعیین خطوط اصلی و اتخاذ تصمیماتی هستند که برای حفظ منافع عمومی، هماهنگی و انسجام هدف‌های جامعه اعمال می‌شوند و شناخت، تفسیر و تحلیل این اسناد می‌تواند رویکرد کشور ما را بعنوان یکی از کشورهایی که با پدیده‌ی مهاجرت‌های بین‌المللی به خارج از کشور روبرو است، در چگونگی مدیریت این فرایند مهم جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی مشخص نماید.

۱. اهداف و سؤالات پژوهش

اهمیت موضوع مهاجرت، ظرفیت و نقش سیاست‌ها، خط مشی‌های نظام در راهبری و جهت‌گیری مدیریت آن، این سؤال را در ذهن مطرح می‌نماید که رویکرد سیاست‌های کلی کشور در رویارویی با پدیده‌ی مهاجرت به خارج چگونه است؟ محورهایی که این سیاست‌ها در ارتباط با مدیریت مهاجرت مورد تأکید قرار گرفته است، چیست و این محورها شامل چه موضوعاتی است؟ به عبارتی از متن سیاست‌ها و اسناد بالادستی چه مضامینی مبتنی بر چه محورهایی استنتاج می‌گردد و این محورها بیانگر چه نوع جهت‌گیری در مدیریت مهاجرت به خارج از کشور است؟

لذا هدف اصلی در این نوشتار، شناسایی و تحلیل محیط نهادی ناظر بر مدیریت مهاجرت به خارج از کشور با تأکید بر اسناد بالادستی شکل گرفته، تا بدین ترتیب وضعیت فعلی مدیریت مهاجرت در کشور در محیط نهادی توصیف، تفسیر و تحلیل گردد و الگوی مضمونی آن ترسیم شود. در واقع به دنبال آن است تا با بررسی اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان به عنوان یکی از نهادهای مهم و تأثیرگذار در عرصه‌ی مدیریت مهاجرت، رویکردها و محورهای اصلی سیاستی در زمینه‌ی ساماندهی و

نظم‌بخشی به وجوه مختلف مهاجرت به خارج را شناسایی و تحلیل کند. شناخت، توصیف، تفسیر سیاست‌ها و خط مشی‌های مرتبط با مهاجرت نه تنها ظرفیت‌ها و جهت‌گیری سیاست‌های کشور ما نسبت به این پدیده را مشخص نماید، بلکه چارچوب‌های علمی و تحلیلی مناسبی را در اختیار سیاستگذاران این عرصه برای ارزیابی قرار دهد.

۲. پیشینه پژوهش

در راستای شناخت چارچوب‌های تحلیلی در باب مدیریت مهاجرت، بررسی‌ها حاکی از آن است که هرچند درخصوص مهاجرت به خارج پژوهش‌های زیادی از دهه‌ی ۷۰ شمسی تاکنون در کشور انجام شده، ولی تاکنون مطالعه‌ای که درصدد شناخت و تحلیل جهت‌گیری‌های اسناد بالادستی در خصوص ابعاد مختلف مهاجرت به خارج از کشور باشد، انجام نشده است. عمده مطالعات انجام شده در این باب بر اثرات مهاجرت به داخل بر نهادهای اقتصادی و یا بررسی علل و ریشه‌های مهاجرت به خارج با تأکید بر مهاجرین ماهر، نخبگان و اثرات آن بر رشد و توسعه تمرکز داشته‌اند.

تنها مطالعه انجام شده در زمینه مدیریت مهاجرت، مقاله‌ی سجادی‌پور با عنوان «چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی (مطالعه موردی ایران)» در سال ۱۳۸۴ است که در آن وضعیت کشور بر مبنای اصول بین‌المللی مدیریت مهاجرت، تحلیل شده است (سجادی‌پور، ۱۳۸۴). پژوهش‌های انجام شده در سایر کشورها نیز عمدتاً در چارچوب تحلیل قواعد، سیاست‌ها و تجربیات اجرایی آن کشورها بوده است. بعنوان نمونه آلبا^۱ و کاستیلو^۲ در مقاله‌ای رویکردهای جدید مهاجرت در مکزیک و آمریکای مرکزی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهند. نتیجه‌ی این بررسی، حاکی از تغییر سیاست‌های این کشورها در چارچوب به رسمیت شناختن قانون مهاجرت و تمرکز قدرت سیاسی مدیریت مهاجرت در یک سازمان واحد اجرایی، قانونگذاری در مجلس، و سیاست‌های

1. Alba

2. Castillo

دولت در اجرای قانون و نظارت بر آن است (Alba & Castillo, 2012).

۳. ملاحظات مفهومی و نظری

۳-۱. تعاریف

طبق تعریف سازمان بین‌المللی مهاجرت^۱، مدیریت مهاجرت به رویکردهای برنامه‌ریزی شده برای پیاده‌سازی و عملیاتی کردن چارچوب‌های سیاستی و تقنینی گفته می‌شود که توسط نهادهای متولی مهاجرت توسعه یافته‌اند (IOM, 2021)، بنابراین مدیریت مهاجرت بین‌المللی دربرگیرنده‌ی طیف گسترده‌ای از اقدامات و برنامه‌ها با هدف تجدید سیاست‌های مربوط به حرکات و جابجایی‌های فرا مرزی مردم است. این طیف گسترده از اقدامات توسط کنشگران این عرصه، اعم از دولتی و غیردولتی انجام می‌گیرد. از نگاه گیجر^۲ و پیکاد^۳ مفهوم مدیریت مهاجرت حداقل به سه فرایند اشاره دارد: اول اینکه مفهومی است که توسط کنشگران و بازیگران این حوزه و در جهت مفهوم‌سازی و توجیه مداخلات آنها در زمینه مهاجرت بکار گرفته شده است. دوم، مدیریت مهاجرت به طیف وسیعی از شیوه‌هایی که در حال حاضر وجود دارد، اشاره می‌کند. به عبارتی، بخشی از سیاست‌های مهاجرت فعلی است که اغلب توسط سازمان‌ها اجرا می‌گردد و سوم به مجموعه گفتمان‌ها و روایت‌های جدید در مورد مهاجرت و چگونگی پرداختن به آن مرتبط است. بازیگران، شیوه‌ها و گفتمان‌های مدیریت مهاجرت با هم مرتبط هستند، اما کاملاً پیچیده و جزئی هستند (Geiger & Pécoud, 2010).

۳-۲. مفهوم‌سازی مدیریت مهاجرت

از نظر گیجر و پیکاد سه مفهوم اصلی شامل بازیگران و کنشگران مدیریت مهاجرت، سیاست‌ها و شیوه‌های اجرایی و گفتمان‌ها در مفهوم‌سازی مدیریت مهاجرت حائز اهمیت هستند. دولت‌ها، به‌عنوان اصلی‌ترین بازیگران و کنشگران

1. International Organization for Migration (IOM)

2. Geiger

3. Pécoud

این عرصه هستند که تلاش می‌نمایند مدیریت و کنترل آن را بدست گیرند. بخشی از تلاش‌ها در قالب اتخاذ سیاست‌های کلان برای به نظم درآوردن روند مهاجرت بوده است و با تصویب و ابلاغ سیاست‌ها و تیلور آن در قوانین، مقررات و بخشنامه‌های موضوعی مختلف در عرصه مدیریت مهاجرت ایفای نقش می‌نمایند. سیاست‌ها و قوانینی که دولتها تصویب و اجرا می‌نمایند بر کنشگری آنها در عرصه داخلی و بین‌المللی مؤثر واقع می‌گردد. بخش دیگری از بازیگران را کنشگران سازمان‌های دولتی بین‌المللی تشکیل می‌دهند که طیف گسترده‌ای از فعالیت‌های مرتبط با مهاجرت را انجام می‌دهند و نقش تأثیرگذاری در شکل‌گیری تصمیمات دولتها از طریق تولید دانش دارند و به‌واسطه ارائه‌ی تخصص علمی، فنی، امور مدیریتی و تبادل اطلاعات به کشورها، امر مدیریت مهاجرت را در سطح بین‌المللی تسهیل می‌نمایند (Geiger & Pécoud, 2010, p. 5).

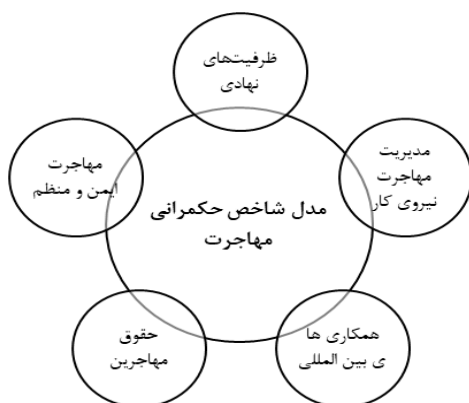
مدیریت مهاجرت با طیف وسیعی از سیاست‌های اجرایی، شیوه‌ها، قوانین و مقررات نیز همراه است و کشورها بنا بر سیاست‌های کلان اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی و دیپلماتیک، شیوه‌های مختلفی را برای اعمال سیاست‌های مدیریتی خود در این بخش، اعمال می‌نمایند. بسیاری از دولتها، سیاست‌ها یا برنامه‌هایی را به منظور تشویق شهروندان مهاجر خود به بازگشت تدوین نموده‌اند. در اروپا، پدیده‌ی مهاجرت را وسیله‌ای برای رفع کمبود نیروی کار ناشی از سالخوردگی جمعیت می‌دانند.

رکن سوم مدیریت مهاجرت تولید گفتمان است. گفتمان در مورد آنچه در حوزه مهاجرت مطرح است و اینکه چگونه باید از طریق آن «مدیریت» شود. گفتمان‌ها مقوله‌های فکری جدیدی را ایجاد و بازتولید می‌کنند، از جمله «پیوند مهاجرت-توسعه»، «مهاجرت موقت»، «قاجاق انسان»، «مهاجرت غیرقانونی» یا «ترانزیت»، «برنامه مدیریت مرزها»، «پذیرش و بازگشت»، «مهاجرت و امنیت» و... (Geiger & Pécoud, 2010, pp. 8-10).

۳-۳. چارچوب‌های سیاستی مدیریت مهاجرت

یکی از این چارچوب‌های سیاستی که سازمان بین‌المللی مهاجرت در راستای

گفتمان‌سازی مدیریت مهاجرت ارائه نموده است، «شاخص حکمرانی مهاجرت»^۱ است که به منظور ارزیابی و از ارتباط بین توسعه، مهاجرت، حکمرانی و معیارهای اندازه‌گیری توسط سازمان بین‌المللی مهاجرت تعیین شده است. این چارچوب از ترازیبی ۱۵ کشور با سطوح مختلف توسعه اقتصادی، انواع پروفایل مهاجرتی (کشورهای فرستنده و گیرنده) و مناطق جغرافیایی پراکنده استخراج شده است. پنج حوزه اصلی به عنوان مؤلفه‌های سازنده حکمرانی مهاجرت مؤثر، شناسایی شده‌اند که شامل؛ ظرفیت نهادی، حقوق مهاجران، مهاجرت ایمن و منظم، مدیریت مهاجرت نیروی کار، همکاری‌ها، مشارکت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است.



شکل ۱. مدل شاخص حکمرانی مهاجرت سازمان بین‌المللی مهاجرت

(The Economist Intelligence Unit, 2016)

در بخش ظرفیت نهادی، موضوعاتی شامل؛ توجه دولت‌ها به راهبردهای مهاجرتی، قانون‌های مهاجرت به داخل و مهاجرت به خارج و دسترسی به آمار و شفافیت مدنظر قرار گرفته است. در بخش حقوق مهاجران به عملکرد دولت‌ها در زمینه‌ی ایجاد ساختارها و زیرساخت‌هایی برای خدمات اجتماعی پایه برای مهاجران، حقوق خانواده‌ها، حق داشتن

کار، اقامت بلندمدت و مسیرهای مشخص برای شهروندی لحاظ شده است. در بخش مهاجرت ایمن و منظم مکانیزم‌هایی که دولتها برای کنترل مرزها، مبارزه با قاچاق انسانها و سیاست‌های جامعه‌پذیری مهاجران در نظر گرفته‌اند، بررسی می‌شود. مدیریت مهاجرت نیروی کار، بخش دیگری از این شاخص می‌باشد که در این بخش سیاست‌های دولتها در ارتباط با مدیریت مهاجرت نیروی کار، طرح‌های تشخیص و به رسمیت شناختن مهارت‌ها و توانمندی‌ها، تنظیم مهاجرت دانشجویان، معاهده‌های دوجانبه نیروی کار و طرح‌های وصول وجوه ارسالی مهاجران مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. در بخش همکاری‌ها و مشارکت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مواردی همچون قراردادهای بین‌المللی، قوانین و تعهدات، فرایندهای شوراهای منطقه‌ای و معاهده‌های دوجانبه ارزیابی می‌گردند.

آنچه تاکنون مطرح شد برای ایجاد فهم درست از مدیریت مهاجرت بر پایه چهارچوب مفهومی، پیش‌فرضها، ارکان و اصول آن بود تا بتوان ابعاد گوناگون مهاجرت را در بستر سیاست‌ها تحلیل نمود. در این بخش، بر مبنای دیدگاه‌های مکتب نونهادگرایی تشریح خواهد شد که چرا رویکردهای سیاستی دولتها در چارچوب اسناد بالادستی برای تحلیل مدیریت مهاجرت اهمیت دارد و در این مطالعه مبنای تحلیل قرار گرفته است.

۳-۴. تحلیل نهادی^۱ و مدیریت مهاجرت

از منظر نونهادگرایی، نهادها مهم و مستعد تجزیه و تحلیل هستند. ویلیامسون^۲ بعنوان پایه‌گذار نونهادگرایی، محیط نهادی^۳ و هر فرد را در تعیین نوع ساماندهی مؤثر می‌داند. بدین معنی که تغییر محیط نهادی (شامل قواعد اساسی بازی) نسبت به ساماندهی (تدبیر امور) یک عامل برون‌زا است و با تغییرات ساماندهی نمی‌توان نحوه تغییرات در محیط نهادی را تبیین کرد. (Williamson, 1994, p. 178).

1. Institutional Analysis

2. williamson

3. Institutional Environment

مقابل، طبق دیدگاه نونهادگرایی نورث^۱، میان ترتیبات نهادی^۲ و محیط نهادی تمایز قائل شده است. وی، ترتیبات نهادی را زیرمجموعه محیط نهادی می‌داند و محیط نهادی نیز مجموعه‌ای از قواعد بنیادین سیاسی، اجتماعی و حقوقی است که بر فعالیت‌های اقتصادی و سیاسی حاکم است. محیط نهادی، قواعد بازی را تعریف نموده و روشن می‌کند چه سازمان‌هایی وجود دارد و چه استراتژی‌هایی برای سازمان‌ها قابل پیگیری است. سازمان‌ها و افراد نیز به هنگام پیگیری اهداف خود تغییراتی در قواعد بازی می‌دهند (نصیری اقدم، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۲-۱۶۵).

دیدگاه‌های مرتبط با سیاست‌ها و استراتژی‌های مدیریت مهاجرت همچون؛ (Cohen, 2003)، (Harris, 2005)، (Düvell, 2007)، (Luckanachai & Rieger, 2010) (Papademetriou, 2013) بر نقش و اهمیت نهادها در چارچوب سیاست‌گذاری در حیطه مدیریت مهاجرت تأکید دارند. این نهادها بر چگونگی رفتار مهاجران و فرایندهای مهاجرتی از یک سو و از سوی دیگر بر چگونگی استفاده از ظرفیت‌ها، فرصت‌ها و مدیریت تهدیدها از طریق پیش‌بینی زیرساخت‌های اداری مؤثر خواهند بود. بر همین اساس، از آنجایی که محیط نهادی بر نحوه قانون‌گذاری و همچنین عملکرد ترتیبات نهادی یعنی سازمان‌های دولتی از مسئولیت‌های اجرایی تا پاسخگویی تأثیر می‌گذارد، تحلیل موضوع این پژوهش مبتنی بر رویکرد نهادی انتخاب گردید تا از آن در پرداختن به تحلیل مدیریت مهاجرت در کشور، با تمرکز بر سطح دوم تحلیل نونهادگرایی بهره گرفته و به بررسی محیط نهادی ناظر بر مهاجرت بین‌المللی، در چارچوب اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان نظام طی چهار دهه اخیر بپردازیم.

۴. روش تحقیق

این پژوهش از حیث مسیر یک پژوهش کیفی، توصیفی، تفسیری و تحلیلی است. با توجه به هدف اصلی تحقیق مبنی بر تحلیل نهادی مدیریت مهاجرت در سطح محیط نهادی، روش تحلیل داده‌ها، روش تحلیل مضمون^۳ است. به عقیده براون^۱ و

1. Douglass C. North

2. Institutional Arangement

3. Thematic Analysis

کلارک^۲ (2006) تحلیل مضمون روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی که، داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند. مضمون یا تم، مبین اطلاعات مهمی درباره داده‌ها و سؤالات تحقیق است و تا حدی معنی و مفهوم الگوی موجود در مجموعه‌ای از داده‌ها را نشان می‌دهد (Braun & Clarke, 2006). با توجه به مسیر تحقیق، فرایند کدگذاری داده‌ها، استقرایی می‌باشد. از نظر پتون^۳ در تحلیل مضمون استقرایی مضامین شناخته‌شده به شدت با خود داده‌ها مرتبط هستند (Patton, 1990, p. 85). روش دسته‌بندی مضامین، بر اساس شیوه‌ی دسته‌بندی کینگ^۴ قالب مضامین است. ویژگی شیوه‌ی قالب مضمونی، سازماندهی سلسله مراتبی مضامین و گروه‌بندی مضامین در قالب خوشه‌ها می‌باشد و فهرستی از مضامین حاصل از متن را به صورت درختی و سلسله مراتبی نشان می‌دهد (King, 1998, p. 263). مضامین شامل مضامین اصلی، فرعی و محوری است. مضامین فرعی، مفاهیمی هستند که براساس داده‌های تحقیق و در مرحله‌ی اولیه به طور مستقیم شناخته شده‌اند، مبین نکته مهم و برجسته‌ای در متن بوده، در سطح توصیفی قرار داشته و آنچه در متن آمده را در قالب مفاهیم، همانگونه توصیف نموده‌اند و در سطح پایین‌تری از سلسله مراتب مضامین قرار دارند. مضامین اصلی، آنچه در متن آمده را تعبیر و تفسیر نموده‌اند و در سطح بالاتری از سلسله مراتب مضامین قرار دارد و مضامین محوری، مضامینی هستند که در سطح تفسیری کلان‌تری قرار داشته و در برگرفته‌ی مضامین فرعی و اصلی می‌باشد. (عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۰).

با ترکیب روش‌های کینگ و هاروکس^۵ (2018)، براون و کلارک (2006) و

-
1. Braun
 2. Clarke
 3. Patton
 4. King
 5. Horrocks

آتراید- استرلینگ^۱ (2001)، فرایند انجام تحلیل مضمون در قالب سه مرحله انجام می‌گیرد؛ تجزیه و توصیف متن، تشریح و تفسیر متن و ادغام و یکپارچه‌کردن مجدد متن (Braun & Clarke, 2006, p. 177)

شیوهی جمع‌آوری داده‌ها، مطالعات اسنادی برای شناسایی اسناد بالادستی و سیاست‌های کلان در ارتباط با موضوع نظم‌بخشی و ساماندهی جنبه‌هایی از مهاجرت به خارج از کشور است. منظور از اسناد بالادستی، اسنادی است که به تصویب بالاترین مراجع قانون‌گذاری کشور رسیده است و جنبه قانونی دارد و باید محور برنامه‌ریزی‌های بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت کشور قرار بگیرد (بنافی زاده، مسعود؛ نوروزی، محمد، ۱۳۹۲، ص. ۱۶۴).

براین اساس، اصولی از قانون اساسی، بندهایی از سند چشم‌انداز نظام در ۱۴۰۴، اهداف و سیاست‌های کلی فرهنگی برنامه سوم توسعه، سیاست‌های کلی برنامه چهارم، پنجم و ششم توسعه، سیاست‌های کلی جمعیت، سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور، سیاست‌های کلی علم و فناوری و سیاست‌های کلی قضایی و همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بعنوان متون اصلی پژوهش شناسایی و بعد از ایجاد کوتاه‌نوشت‌هایی برای برخی از اسناد حقوقی همچون میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، مضامین کدگذاری، تفسیر و مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. کدگذاری یکبار بصورت دستی و سپس با کمک نرم افزار مکس کیودا انجام شده است. برای اطمینان از ساختار مضامین و کدگذاری انجام شده در متن و اثبات روایی و پایایی تحلیل قالب مضامین یکبار کدگذاری بصورت دستی و در مرحله بعد با کمک نرم افزار انجام گرفته، سپس نتایج این دو کدگذاری با یکدیگر مقایسه و از روش هولستی^۲ برای محاسبه پایایی استفاده شد.^(۱)

۵. یافته‌های پژوهش

در پاسخ به سؤال اول تحقیق، نتایج حاصل از توصیف، تفسیر و تحلیل داده‌های

1. Attrid-stirling

2. Holsti

پژوهش و قالب مضمون بدست آمده، بیانگر رویکرد و جهت‌گیری اسناد بالادستی نظام نسبت به مدیریت مهاجرت بر پایه چهار مضمون محوری؛ شامل «توجه به کرامت و ارزش والای انسانی»، «تقویت وفاق و همگرایی اجتماعی»، «جذب و مشارکت در توسعه ملی» و «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» است. مضامین محوری فوق در برگرفته مضامینی هستند که رویکرد سیاستگذاران را نسبت به برخی وجوه و ابعاد مهاجرت تبیین می‌کنند که در ذیل به تفسیر و تحلیل آنها پرداخته خواهد شد.

۵-۱. توجه به کرامت و ارزش والای انسانی

نتایج حاصل از بررسی و تفسیر داده‌های اسناد بالادستی بیانگر دسته‌ای از مضامین هستند که حکایت از حق برخورداری ایرانیان خارج، از حقوق مدنی و سیاسی می‌نماید. حقوق مدنی و سیاسی گونه‌ای از حقوق هستند که آزادی انسان را در برابر نقض غیرموجه توسط دولت‌ها و سایر نهادهای اجتماعی حفاظت کرده و توانایی فرد را برای مشارکت در زندگی مدنی و سیاسی حکومت، بدون تبعیض یا سرکوب سیاسی تضمین می‌کنند. به عنوان نمونه از آنجایی که طبق ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، دولت‌ها در قبال کلیه افراد تحت صلاحیت خود، حتی اینکه در خارج از قلمرو سرزمینی آنها باشند، متعهد هستند. لذا، ایرانیان خارج از سرزمین ایران نیز می‌توانند از کلیه حقوق مدنی و سیاسی برخوردار باشند.

مضامین فرعی ذیل مضمون اصلی «برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی» بر دو دسته‌اند: دسته اول مضامینی هستند که شمول اثرات حاصل از حقوق و تکالیف این اسناد، کلیه‌ی آحاد ملت ایران را دربر می‌گیرد. بنابراین ایرانیان در هر کجای دنیا که باشند از این حقوق برخوردارند. مضامین «حق دادخواهی و دسترسی همه به دادگاه صالحه»، «حمایت یکسان در برابر قانون»، «حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور»، «حق برخورداری از تابعیت و یا تحصیل آن»، «حق تردد آزادانه به وطن»، «حق آزادانه‌ی ترک وطن» که بر مضمون «حقوق مدنی و سیاسی» دلالت دارند و مضامین «برخورداری از امنیت شخصی»، «برخورداری از امنیت اجتماعی» و «برخورداری از امنیت قضایی» که بیانگر «برخوردای از امنیت»

هستند، در این دسته جای می گیرند. دسته دوم از مضامین، موضوعاتی هستند که به طور مستقیم به ایرانیان خارج از کشور اشاره داشته است. «حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور» مضمونی است که به طور مشخص در سیاست های کلی ناظر بر تدوین برنامه چهارم و پنجم توسعه مورد تأکید قرار گرفته است. این مضمون می تواند در برگرفته های ابعاد مختلف حقوق ایرانیان خارج از کشور اعم از مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد که دولت باید ضمانت تحقق و اجرای مقررات ناظر بر آنرا بر عهده بگیرد.

در مجموع مضمون «برخورداري از حقوق مدنی و سیاسی» و «مضمون برخورداري از امنیت» و مضامین فرعی ذیل آنها، بیانگر نگرش کلی اسناد بالادستی به موضوع مهاجرین بر محور «توجه به کرامت انسان ها» دارد. کرامت به معنای برتری، تقدم و احترام به انسان است (عباسی، ۱۳۹۰، ص. ۸۵). در واقع مضمون «برخورداري از حقوق مدنی و سیاسی» به مضمون «توجه به کرامت انسانها» روح عملیاتی تری می بخشد و یکی از مضامین محوری اسناد بالادستی در مدیریت مهاجرت است. در جدول زیر به برخی از مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «توجه به کرامت و ارزش والای انسانی» اشاره شده است.

جدول ۱. برخی از مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «توجه به کرامت و ارزش والای انسانی»

مضمون اصلی	مضمون فرعی	متن اصلی مرتبط	مستندات
برخورداري از حقوق مدنی و سیاسی	حق برخورداري از تابعیت و تحصیل آن	تابعیت کشور ایران حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتی که به تابعیت کشور دیگری درآید	اصل ۴۱ قانون اساسی/ بند ۳
	حق آزادانه ترک وطن	هر کس آزاد است هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند	بندهای ۲ ماده ۱۲ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی
برخورداري از امنیت	برخورداري از امنیت قضایی	تضمین کند که مقامات صالح قضائی - اداری یا مقننه یا هر مقام دیگری که به موجب مقررات قانونی آن کشور صلاحیت دارد درباره شخص دادخواست دهنده احقاق حق بکنند و همچنین امکانات تظلم به مقامات قضائی را توسعه بدهند	بند ۳ ماده ۲، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

۵-۲. ارتقاء همبستگی و اعتماد ملی

یکی از مضامین محوری منتج از متن اسناد بالادستی، مضمون «ارتقاء همبستگی و

اعتماد ملی» است که بر پایه‌ی دو مضمون اصلی «تقویت هویت ملی» و «تقویت انسجام اجتماعی» بدست آمده است.

به طور کلی، هویت در دو سطح فردی و جمعی قابل بررسی است. آنچه در اسناد بالادستی پیرامون هویت مورد توجه قرار گرفته، هویت ملی ایرانیان خارج از کشور است که در حوزه‌ی هویت جمعی قرار می‌گیرد. هویت اجتماعی، گستره‌ای بزرگ از هویت‌ها را در ذیل خود قرار می‌دهد و هویت ملی به‌عنوان یکی از جنبه‌های هویت جمعی محسوب شده و در بین ابعاد هویتی، عام‌ترین سطح آن است (آزادارمکی، تقی؛ وکیلی، عارف، ۱۳۹۲، ص. ۱۴). در بین ابعاد هویتی، بی‌شک عام‌ترین سطح آن؛ یعنی هویت ملی جایگاه ویژه‌ای دارد و استحکام و استقرار آن می‌تواند افراد را در برابر تغییرات سریع جهان امروز تا حد زیادی حفظ کند. هویت ملی علاوه بر ایجاد همبستگی میان افراد جامعه، مسیر و هدف جمعی آنان را نیز مشخص می‌کند. دولت‌ها با تکیه بر هویت ملی، نظام ارزشی مورد نظر خود را از طریق آموزش، تبلیغات و سایر ابزارهای جامعه‌پذیری به افراد جامعه القا می‌کنند (ربانی و رستگار، ۱۳۹۲، ص. ۲). در این میان هویت ملی، متغیری محوری در تعریف ارزش‌ها و هنجارهای جمعی افراد یک جامعه است. مضامین فرعی منتج از متون اسناد بالادستی، شامل آموزش و گسترش زبان فارسی، توسعه‌ی فعالیت‌های فرهنگی در خارج از کشور، تقویت هویت اسلامی و ایرانی و تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی، بیانگر جهت‌گیری سیاستگذاران مبنی بر تقویت هویت ملی است. مضامین «ارتقاء وفاق اجتماعی و همگرایی اجتماعی منتج از متون اسناد بالادستی» با مفاهیمی چون «انسجام اجتماعی» و «نظم اجتماعی» دارای قرابت است و به‌نظر می‌رسد، سیاستگذاران با طرح مضامین فرعی ذیل مضامین اصلی «تقویت هویت ملی» و «تقویت انسجام اجتماعی ملی» در سطحی کلان‌تر به دنبال «ارتقاء همبستگی و انسجام ملی» بوده‌اند. در جدول زیر به برخی از مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «ارتقاء همبستگی و انسجام ملی» اشاره شده است.

جدول ۲. برخی مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «ارتقاء همبستگی و اعتماد ملی»

مضمون اصلی	مضمون فرعی	متن اصلی مرتبط	مستندات
تقویت هویت ملی	آموزش و گسترش زبان فارسی	تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور و کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان	سیاست‌های کلی قانون برنامه‌ی چهارم و پنجم توسعه کشور
	تقویت هویت اسلامی و ایرانی	تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور	سیاست‌های کلی قانون برنامه‌ی چهارم و پنجم کشور
تقویت انسجام اجتماعی	ارتقاء وفاق و همگرایی اجتماعی	تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی (ایرانی، اسلامی، انقلابی) و ارتقاء وفاق و همگرایی اجتماعی در پهنه‌ی سرزمینی بویژه در میان مرزنشینان و ایرانیان خارج از کشور	بند ۱۳ سیاست‌های کلی جمعیت

۵-۳. جذب و مشارکت در توسعه ملی

مضامین «بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فنی»، «ایجاد زمینه‌های مناسب برای جذب نخبگان»، «تشویق به سرمایه‌گذاری درداخل» و «تسهیل مشارکت در توسعه‌ی ملی» از جمله موضوعاتی هستند که در سیاست‌های کلی ناظر بر برنامه‌های توسعه، سیاست‌های کلی علم و فناوری و سیاست‌های کلی برای رشد و توسعه علمی و تحقیقات کشور مورد توجه قرار گرفته‌اند و بیانگر سیاست مبنی بر «زمینه‌سازی برای جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی» ایرانیان خارج از کشور است. با توجه به ظرفیت‌های علمی و تخصصی در بین ایرانیان خارج از کشور و تأثیر این سرمایه‌ها در رشد و توسعه‌ی کشورهای مقصد و از سوی دیگر، وجود سرمایه‌های عظیم اقتصادی در نزد ایرانیان خارج از کشور، زمینه‌سازی بر جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی ایرانیان خارج از کشور به عنوان یکی از سیاست‌های ناظر بر برنامه‌های توسعه مطرح است.

از سوی دیگر، برای اولین بار در سیاست‌های ناظر بر برنامه‌ی ششم به ظرفیت‌های ایرانیان خارج در جهت دفاع از منافع ملی و تأثیر برنظام سلطه اشاره شده است. این موضوع، نشانگر جهت‌گیری به سمت سیاست مبتنی بر بهره‌گیری از ظرفیت آنان در جهت «دیپلماسی عمومی نوین» است. از نگاه سیاستگذاران با توجه به وجود ظرفیت‌های علمی و فنی در بین جامعه نخبگان ایرانی خارج و همچنین سرمایه‌های عظیم اقتصادی در نزد آنان، بهره‌گیری از این ظرفیت‌ها در

«دیپلماسی عمومی نوین» به عنوان یک ابزار ارزشمند سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جهت تأمین و تقویت منافع ملی کشور در نظر گرفته شده است. «دیپلماسی عمومی نوین» روشی نو برای تأثیرگذاری بر هویت، گفتمان‌ها، کنش‌های بازیگران قلمرو عمومی جهانی و شکل‌دهی محیط مناسب برای موفقیت دستگاه دیپلماتیک یک کشور با کمک شبکه‌ها و رسانه‌های جدید جهانی محسوب می‌شود. در این دیپلماسی نقش بازیگران غیردولتی، مانند مراکز آکادمیک، جوامع معرفتی^۱، خبرنگاران، روزنامه‌نگاران و غیره پذیرفته شده‌اند (سجادپور، سید محمد کاظم؛ وحیدی، موسی الرضا، ۱۳۹۰). با توجه به این تعاریف، بهره‌گیری از ظرفیت ایرانیان خارج از کشور برای ارائه‌ی تصویری مثبت از کشور در سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه گنجانده شده است. کلیه‌ی مضامین تحت عنوان کدهای اصلی و فرعی این بخش، بیانگر اتخاذ سیاست جذب و مشارکت ایرانیان خارج برای توسعه‌ی ملی در اسناد بالادستی برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی فنی، اقتصادی آنان است. لذا مضمون «جذب و مشارکت در توسعه ملی» به عنوان کد محوری از این مجموعه از سیاست‌ها انتخاب شده است. در جدول زیر به برخی از مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «جذب و مشارکت در توسعه ملی» اشاره شده است.

جدول ۳. برخی مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «جذب و مشارکت در توسعه ملی»

مضمون اصلی	مضمون فرعی	متن اصلی مرتبط	مستندات
زمینه‌سازی برای جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی	بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فنی	ایجاد زمینه‌های لازم در جهت جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی ایرانیان خارج از کشور در توسعه‌ی ملی	سیاست‌های کلی قانون برنامه‌ی ششم توسعه کشور
توان علمی و تخصصی	تشویق به سرمایه‌گذاری در داخل	تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری، و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان	بند ۱۲ از سیاست‌های کلی جمعیت
مشارکت در دیپلماسی عمومی	زمینه‌سازی برای تأثیر بر سیاست‌های نظام سلطه	ایجاد زمینه‌های لازم... و تأثیر بر سیاست‌های نظام سلطه در دفاع از منافع ملی	سیاست‌های کلی قانون برنامه‌ی ششم توسعه کشور

۵-۴. پیشگیری از مهاجرت نخبگان

مضامین «شناسایی، پرورش، هدایت و جذب استعداد‌های درخشان» و «شناسایی و

جذب نخبگان» از جمله مضامین منتج از سیاست‌های کلی علم و فناوری و سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه‌ی علمی و تحقیقات کشور است که با هدف «حفظ و جذب سرمایه انسانی» مورد تأکید سیاست‌گذاران قرار گرفته‌اند. این مضامین، بیانگر سیاست نظام برای «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» است که به‌عنوان مضمون محوری از متن سیاست‌های فوق انتخاب شده است. از آنجایی که سیاست‌گذاران، شناسایی، هدایت و پرورش این استعدادها و از سوی دیگر، شناسایی نخبگان، جذب و بکارگیری آنان را در بخش‌های مختلف، مورد نظر داشته‌اند، این موارد دلالت بر مضمون «حفظ و جذب سرمایه‌های انسانی» دارند. در جدول زیر به برخی مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» اشاره شده است.

جدول ۴. برخی مضامین و مستندات مرتبط با مضمون محوری «پیشگیری از مهاجرت نخبگان»

مضمون اصلی	مضمون فرعی	متن اصلی مرتبط	مستندات
حفظ و جذب سرمایه‌های انسانی	شناسایی، پرورش و جذب استعدادهای درخشان	شناسایی، هدایت، پرورش، جذب و بکارگیری استعدادهای درخشان	بند ۷ سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه‌ی علمی و تحقیقاتی کشور

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش از نقطه‌نظر رویکردهای ناظر بر مقولات استنتاج شده از اسناد بالادستی، با توجه به توصیف و تفسیر داده‌های حاصل از تحلیل مضامین، کلیه‌ی مضامینی که ذیل مضمون «حق برخورداری از حقوق مدنی و سیاسی» قرار دارند؛ همچون «حق دادخواهی و امکان دسترسی به دادگاه صالحه»، «حمایت از حقوق ایرانیان خارج از کشور»، «حق برخورداری از تابعیت و تحصیل آن»، «حق ورود قانونی به کشور»، «حق آزادانه‌ی ترک وطن»، «برخورداری از امنیت قضایی»، بر «رویکرد حمایت محور» این اسناد در مدیریت مهاجرت به خارج دلالت می‌کنند. ضمن اینکه، همه‌ی مضامین فوق بجز مضمون حمایت از حقوق ایرانیان خارج دارای شمولیت عام هستند. در مقابل، دسته‌ای از مضامین همچون «تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی اسلامی و انقلابی» و یا «تشویق به سرمایه‌گذاری درداخل» که به طور مستقیم شمولیت آن بر ایرانیان خارج از کشور وارد است و ذیل دو کد محوری «ارتقاء همبستگی و انسجام ملی» و «جذب و مشارکت در توسعه ملی» قرار گرفته‌اند، بیانگر رویکرد سیاست‌گذاران مبنی بر

استفاده از ظرفیت‌های ایرانیان خارج و جذب مشارکت آنان برای توسعه‌ی ملی از یک سو و از سوی دیگر مشارکت آنان در دیپلماسی عمومی نوین است و از «رویکرد فرصت محور» در سیاستگذاری و مدیریت مهاجرت حکایت می‌کند.

تحلیل مضمون بخش دیگری از سیاست‌های کلان همچون «شناسایی و جذب نخبگان»، بیانگر «رویکرد پیشگیرانه» سیاستگذاران نسبت به مهاجرت نخبگان و تلاش در جهت حفظ سرمایه‌های انسانی و اتخاذ سیاست‌هایی برای جذب آنان در فرایند توسعه‌ی کشور است. این مورد که ذیل کد محوری «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» قرار داشته و بیانگر سیاست مبتنی بر حفظ و نگهداشت نخبگان بوده، می‌تواند به عنوان نشانه‌های وجود «رویکرد تهدیدمحور به مهاجرت نخبگان» تلقی گردد.

در عین حال از بررسی مضامین مرتبط با مدیریت مهاجرت در اسناد بالادستی و روند سیاستگذاری حول موضوع مدیریت مهاجرت، مشخص شد که رویکرد حمایت‌محور با شمولیت عام برای کلیه ایرانیان با قدمت بسیار بیشتر قابل مشاهده است. اما رویکرد حمایت‌محور در سطح خاص و با شمولیت به طور مستقیم ایرانیان خارج از کشور، برای اولین بار در فرایند نظام برنامه‌ریزی توسعه‌ی کشور در سیاست‌های کلی ناظر بر برنامه‌ی چهارم و پس از آن در سیاست‌های کلی ناظر بر برنامه پنجم توسعه، عیناً قابل استنتاج است.

همچنین رویکرد فرصت‌محور به ایرانیان خارج از کشور با وجه غالب‌تری نسبت به رویکرد حمایت‌محور، از برنامه‌ی سوم توسعه آغاز گردیده است. همنشینی مضمون «تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی» در کنار مضمون «ارتقاء وفاق و همگرایی اجتماعی» در سیاست‌های کلی جمعیت در سال ۱۳۹۳، دلالت بر آن دارد که سیاستگذاران، بواسطه تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی از طریق تقویت نظام ارزشی و تولید برنامه‌های فرهنگی و آموزش زبان فارسی به‌دنبال ارتباط، تعامل، همبستگی و همگرایی بیشتر ایرانیان خارج با داخل بوده‌اند.

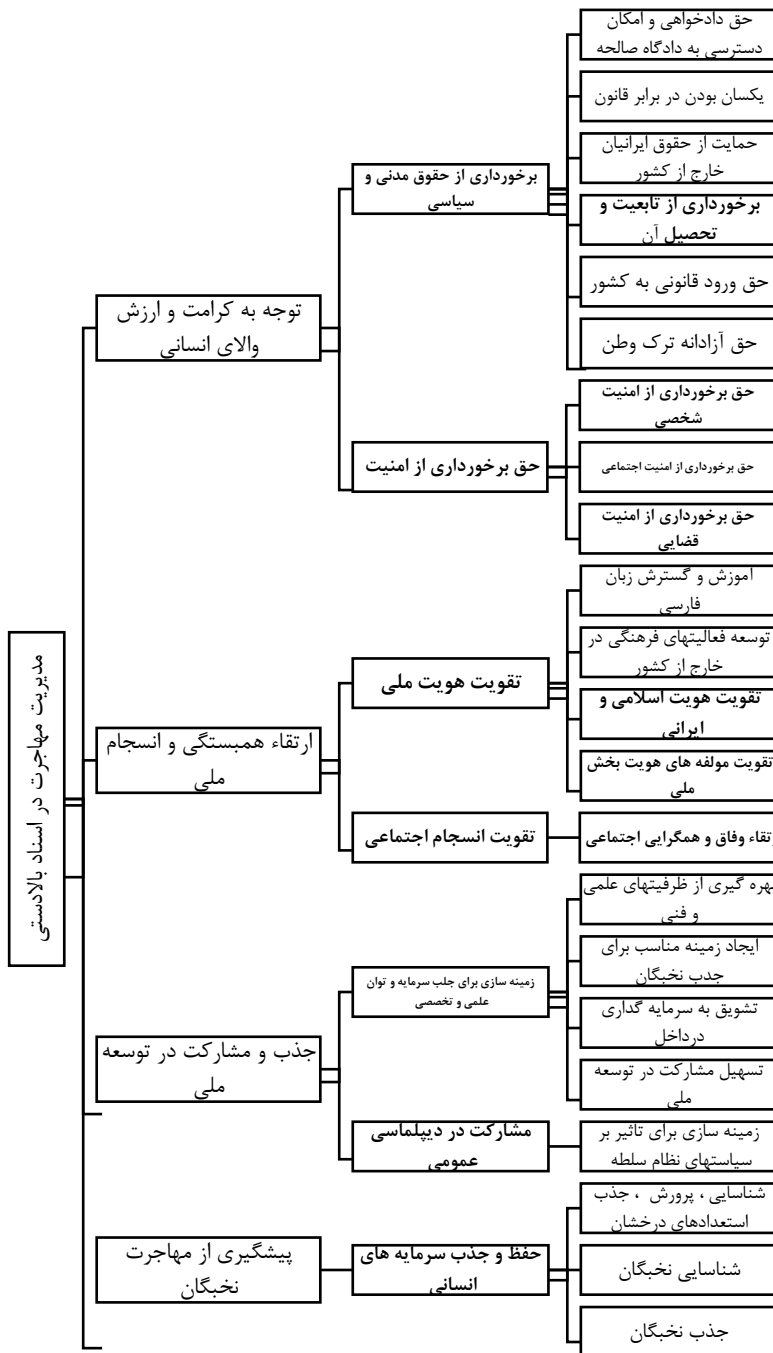
موضوع نقش آفرینی ایرانیان خارج در دیپلماسی عمومی نوین که در این پژوهش تحت عنوان کد اصلی «مشارکت در دیپلماسی عمومی نوین» در نظر

گرفته شده است، بیانگر جهت‌گیری توسعه یافته‌تر و متفاوت‌تری در مدیریت مهاجرت و بهره‌گیری از فرصت‌ها است که در سیاست‌های کلان مورد توجه قرار گرفته است.

مضمون «زمینه‌سازی برای جلب سرمایه و توان علمی و تخصصی» با هدف مشارکت در توسعه‌ی ملی در سیاست‌های کلی برنامه‌ی چهارم، پنجم و ششم و همچنین، سیاست‌های کلی رشد و توسعه و علم و فناوری مورد توجه قرار گرفته که بیانگر سیاست جذب و مشارکت ایرانیان خارج در مدیریت مهاجرت به خارج و رویکرد فرصت‌محور است.

اما در بین مضامین منتج از اسناد بالادستی، سیاست دیگری در بین سیاستگذاران استنتاج گردیده است که دلالت بر پیشگیری از مهاجرت نخبگان و حفظ سرمایه‌های انسانی جامعه نخبگان و استعدادهای برتر دارد که در این پژوهش با کد محوری «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» بیان شده است. این مضمون بیانگر رویکرد تهدیدمحور از سوی سیاستگذاران در مواجهه با مهاجرت نخبگان است. همانطور که ملاحظه می‌گردد، این رویکرد تهدیدی نسبت به مهاجرت عمدتاً معطوف به جامعه خاص نخبگان و استعدادهای برتر و با هدف بهره‌گیری از توان علمی و جذب آنان در فرایند توسعه‌ی کشور است.

از منظر سیاستگذاری در مورد مهاجرت نیروی کار ماهر در چارچوب سه سیاست کلی نگهداشت، جذب و بازگشت و مشارکت، از مقولات ملاحظه می‌شود که جهت‌گیری سیاست‌ها در مورد تنظیم جریان مهاجرت نیروی کار ماهر عمدتاً، مبتنی بر رویکرد سیاستی مشارکت است تا سیاست مبتنی بر نگهداشت و بازگشت. مضامین «تسهیل مشارکت در توسعه ملی»، «تشویق به سرمایه‌گذاری در داخل» و «بهره‌گیری از ظرفیت‌های علمی و فنی ایرانیان خارج از کشور» مضامینی هستند که دلالت بر وجه غالب سیاست «مشارکت» در مقابل سیاست «جذب و بازگشت» دارند که تنها از مضمون «ایجاد زمینه‌ی مناسب برای جذب نخبگان» قابل استنتاج است. تصویر زیر الگوی مضمونی مدیریت مهاجرت به خارج را در اسناد بالادستی نشان می‌دهد.



شکل ۲. الگوی مضمونی مدیریت مهاجرت به خارج در اسناد بالادستی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تحلیل اسناد بالادستی بیانگر سیاست‌های ناظر بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی در قالب مضامینی است که در چهار مقوله‌ی محوری «توجه به کرامت و ارزش والای انسانی»، «تقویت وفاق و همگرایی اجتماعی»، «جذب و مشارکت در توسعه‌ی ملی» و «پیشگیری از مهاجرت نخبگان» صورت‌بندی شده است. بعلاوه این سیاست‌ها ذیل سه رویکرد حمایت محور، فرصت محور و تهدید محور گنجانده شده که در این میان رویکرد فرصت‌محور غالب است. همچنین ملاحظه شد که جهت‌گیری سیاست‌های مهاجرت نیروی کار ماهر عمدتاً، مبتنی بر رویکرد سیاستی مشارکت است تا سیاست مبتنی بر نگهداشت و بازگشت.

اما از مطالعه‌ی سیاست‌های کلان مدیریت مهاجرت به خارج به‌عنوان یکی از مهمترین سطوح نهادی مؤثر بر سیاست‌های اجرایی، موارد ذیل به دست آمده است:

۱. از آنجایی که سیاست‌های کلی، تعیین‌کننده خطوط اصلی هستند که برای حفظ منافع عمومی، هماهنگی و انسجام هدف‌های جامعه اعمال می‌شوند، قاعدتاً می‌بایست این سیاست‌ها ضمن مشخص کردن حوزه عمل، جهت‌گیری کلیه بازیگران سطح نهادی مدیریت مهاجرت به خارج را بازتعریف نمایند. اما در خلال این مطالعه، ضعف این موضوع مشخص شد. به‌عنوان مثال علی‌رغم آنکه در سیاست‌های کلی ناظر بر برنامه‌ی پنجم توسعه به موضوع تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور از طریق ترویج خط و زبان فارسی تأکید شده، در ماده‌ی ۵ قانون برنامه، مجدداً همان سیاست‌ها آمده اما برای تحقق آن برنامه‌ای عملیاتی پیش‌بینی نشده است. درخصوص تسهیل مشارکت ایرانیان در توسعه‌ی ملی به‌عنوان یکی دیگر از سیاست‌های کلی ناظر بر برنامه پنجم، نیز صرفاً به نوشتن یک گزاره کلی در متن برنامه پنجم مبنی بر «استفاده از ظرفیت‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور» بدون ارائه‌ی برنامه اجرایی اکتفاء شده است. لذا به‌نظر می‌رسد یا شکافی در نگرش سیاست‌گذاران با برنامه‌ریزان این حوزه وجود دارد، یا برنامه‌ریزان فهم مشترکی از اسناد بالادستی ندارند.

۲. از جمله مواردی که مانع از عملیاتی شدن این سیاست‌ها می‌گردد، عدم پیش‌بینی شاخص‌های کیفی و کمی قابل سنجش و ارزیابی آنها است. مثلاً در حالی که مضمون تسهیل مشارکت ایرانیان خارج در توسعه ملی در سیاست‌های کلی برنامه‌ی چهارم و پنجم توسعه آورده شده، هیچ‌گونه شاخصی برای ارزیابی آن پیش‌بینی نشده است.

۳. موضوع دیگری که در این مطالعه مشخص شد، ضرورت ایجاد بازنگری در قوانین به تبع سیاست‌های کلان است. به عنوان مثال، درحالی که سیاست‌های کلی جمعیت بر مواردی همچون؛ تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور، سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان تأکید دارد، در ماده‌ی ۹۸۹ قانون مدنی، محدودیت‌هایی برای ورود اموال غیرمنقول ایرانی‌های دوتابعیتی پیش‌بینی شده است. در قانون سرمایه‌گذاری‌های خارجی نیز انتظار می‌رود سیاست‌های تشویقی برای جذب سرمایه‌گذاران ایرانی مقیم خارج لحاظ گردد.

۴. همان‌گونه که پیش‌تر آمد، یکی از ارکان مهم در مدیریت مهاجرت گفتمان‌سازی و ایجاد روایت جدید در مورد مهاجرت و چگونگی پرداختن به آن تعیین شده است. در حال حاضر، خلاء ناشی از فقدان یک نظام جامع آماری در راستای این گفتمان‌سازی احساس می‌شود. موضوع نظام آماری اولین بار در سال ۱۳۹۳ در چارچوب سیاست‌های کلی جمعیت، تحت عنوان مدیریت مهاجرت به داخل و خارج، هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت مورد توجه قرار گرفته است و به‌طور خاص بندهای ۱۱، ۱۲ و ۱۳ این سیاست‌ها مرتبط با مدیریت مهاجرت هستند. پژوهشکده‌ی مرکز آمار نیز اقدام به شناسایی متغیرها و شاخص‌های مرتبط نموده است. مشخصاً بند ۱۱ این سیاست‌ها به موضوع مدیریت مهاجرت به خارج اختصاص داشته، ذیل آن سه شاخص «درصد جمعیت علاقمند به مهاجرت به خارج»، «درصد رشد سالانه ایرانیان مهاجرت کرده از کشور به تفکیک مهاجرت» و «میزان مهاجرفرستی به خارج از کشور به تفکیک ویژگی‌های جمعیتی» مطرح شده است. از بین شاخص‌های مزبور اطلاعات مرتبط با دو شاخص اول، در دسترس نبوده و نیازمند تولید آمار است. اطلاعات شاخص سوم نیز پراکنده و

غیرمنسجم هستند (پژوهشکده مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). بنابراین می‌توان اذعان نمود، مفهوم‌سازی و شناخت ابعاد مختلف مهاجرت به خارج مستلزم تبدیل مدیریت مهاجرت به یک گفتمان فراگیر در سطح ملی است. به عبارتی برای اینکه بتوان پدیده‌ی مهاجرت را مدیریت نموده و از فرصت‌های موجود در آن بهره جست، نیاز است که گفتمان مدیریت مهاجرت را در کلیه‌ی سیاست‌ها و برنامه‌های مرتبط وارد نمود.

۵. از سوی دیگر سیاست‌های کشور در مدیریت مهاجرت به خارج، با توجه به هفت اصل اجماعی مدیریت مهاجرت که از سوی سازمان بین‌المللی مهاجرت تعیین شده نیز، قابل تحلیل است. در حالی‌که اصل اول و دوم، بر افزایش هماهنگی ذی‌نفعان این عرصه در سطوح نهادی تأکید دارد، ردپایی از این اصول در سیاست‌های کلان کشور مشاهده نشد. این امر مستلزم ایجاد دانشی فراگیر و فهمی مشترک درخصوص پدیده‌ی مهاجرت، میان سیاستگذاران و دستگاه‌های اجرایی است. مدیریت مهاجرت یک موضوع فرابخشی بوده و نیازمند عزم جدی و هماهنگی بین همه‌ی بازیگران اعم از سیاستگذاران، مجریان سیاست‌ها، سازمان‌های بین‌الدولی و سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در این حوزه است. اصل سوم بر گردآوری اطلاعات آماری درباره مهاجرت تأکید دارد که هرچند این موضوع در شاخص‌های ذیل سیاست‌های کلی جمعیت مورد توجه قرار گرفته، اما لازم است با رویکردی جامع‌تر و در فضای همکاری بین‌بخشی به آن پرداخته شود. اصل چهارم بر تقویت همکاری‌های بین‌المللی اشاره نموده که در متن سیاست‌های کلان، مضمونی که بر تقویت این نوع از همکاری‌ها اشاره داشته باشد، ملاحظه نشد. اصل پنجم بر ضرورت به بازی گرفتن تمام بازیگران اشاره دارد. در کنار بازیگران و کنشگران دولتی و بین‌الدولی، سازمان‌های مردم‌نهاد نقش بسیار مؤثری در ایجاد شبکه‌های ارتباطی با مهاجران، برقراری تعامل و ارتباط با وطن و شناسایی ظرفیت‌های و پتانسیل‌های آنان دارند و لازم است تأکید بر استفاده از ظرفیت آنها در این سیاست‌ها مدنظر قرار بگیرد. توجه به اصل ششم، یعنی مدیریت مهاجرت نیروی کار، در شرایط کنونی کشور بسیار حائز اهمیت

است به‌ویژه آنکه در سالهای اخیر ایرانیان زیادی با هدف دستیابی به فرصت‌های شغلی اقدام به مهاجرت نموده‌اند. آخرین اصل، مهاجرت ایمن و امن بوده که لازم است چارچوب‌های آن مشخص و سازوکارهای قانونی و اجرایی آن پیش‌بینی گردد.

در مجموع می‌توان اینگونه نتیجه‌گیری کرد که کشور در زمینه‌ی دستیابی به چارچوب سیاستی منسجم در خصوص مدیریت مهاجرت به خارج با خلاء جدی روبروست. رفع این کاستی در درجه اول مستلزم گفت‌وگو و گفت‌وگو سازی است. به‌علاوه توجه به چگونگی اجرایی نمودن سیاست‌های مصوب، تعیین نقش هریک از بازیگران، شفافیت وظایف هریک و پیشگیری از تداخل و موازی‌کاری در قالب تدوین سند ملی راهبردی مدیریت مهاجرت می‌تواند راهگشا باشد.

پی‌نوشت

۱. فرمول آن عبارتست از: $PAO = \frac{n^2 + n}{2}$. (درصد توافق مشاهده شده (ضریب پایایی) و M تعداد توافق در دو مرحله کدگذاری، n تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله اول و $2n$ تعداد واحدهای کدگذاری شده در مرحله دوم است. این رقم بین صفر (هیچ توافق) تا یک (توافق کامل) متغیر است.

منابع و مآخذ

- آزادارمکی، تقی؛ وکیلی، عارف (۱۳۹۲)، مطالعه جامعه‌شناختی مفهوم هویت ملی میان اندیشمندان ایرانی، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۲(۱).
- بنافی زاده، مسعود؛ نوروزی، محمد (۱۳۹۲)، تحلیل آسیب‌شناسانه از ترجمان اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه علمی - پژوهشی برنامه و بودجه*، ۱۸(۴)، ۱۶۱-۱۹۵.
- پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه شریف (۱۳۹۹)، *سالنامه آماری مهاجرتی ایران*، تهران: پژوهشکده سیاستگذاری دانشگاه شریف.
- پژوهشکده مرکز آمار ایران. (۱۳۹۵)، *شناسایی و رصد شاخص‌های سیاستهای کلی جمعیت از نگاه آمار*، پژوهشکده مرکز آمار ایران.
- حیدری، حسن؛ داودی، نرمین؛ طالبی، فرزانه (۱۳۹۵)، آثار کلان اقتصادی و بخشی مهاجرت نیروی کار متخصص و غیر متخصص در کشور ایران، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۲۲(۴)، ۴۲-۲۵.
- ربانی، علی؛ رستگار، یاسر. (۱۳۹۲)، *تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد ششگانه آن*، نشریه جامعه‌شناسی کاربردی، ۴(۲)، ۱-۲۰.
- سجادپور، سید محمدکاظم (۱۳۸۴)، *چارچوبهای مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، ۲۰(۳)، ۹-۳۰.
- سجادپور، سید محمد کاظم؛ وحیدی، موسی الرضا (۱۳۹۰)، *دیپلماسی عمومی نوین: چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی. فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۱(۴)، ۷۷-۹۵.
- طیبی، سید کمیل؛ عمادزاده، مصطفی؛ حصوری، هاجر (۱۳۹۰)، *اثر فرار مغزها بر رشد*

اقتصادی کشورهای در حال توسعه، نشریه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، (۲)۱، ۷۱-۹۴.

عابدی جعفری، حسن؛ تسلیمی، محمد سعید؛ فقیهی، ابوالحسن؛ شیخ زاده، محمد (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده های کیفی، اندیشه مدیریت راهبردی، ۵(۱۰)، ۱۵۱-۱۹۸.

عباسی، بیژن (۱۳۹۰)، حقوق بشر و آزادی های بنیادین، تهران: نشر دادگستر.
عرب مازار، علی اکبر؛ مشرفی، رسام؛ مصطفی زاده، محمد (۱۳۹۶)، مهاجرت نیروی کار از ایران به کشورهای OECD و عوامل اقتصادی مؤثر بر آن، اقتصاد و الگوسازی (۳۰)، ۶۳-۹۴.

متوسلی، محمود؛ فتح الهی، جمال (۱۳۸۹)، مقدمه ای بر نظریات ویلیامسون و کاربرد آن در تحلیل مسائل توسعه ایران، فصلنامه پژوهشهای اقتصادی، ۱۰(۳).
نصیری اقدم، علی. (۱۳۹۱)، روش شناسی تحلیل نهادی مسائل اقتصادی، فصلنامه علمی - پژوهشی روش شناسی علوم انسانی، ۱۸(۷۱)، ۱۶۲-۱۶۵.

Alba, F., & Castillo, M. (2012). *New approaches to migration management in Mexico and Central America*. Washington DC: Migration policy institute.

Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.

Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-10.

Cohen, S. (2003). *Asylum and Immigration Control Past and Present*. Trentham Books.

DIOC. (2020). Database on Immigration in OECD countries Retrived from ECD.

Düvell, F. (2007). Towards sustainable migration policies. In M. Jandl, *Innovative concepts for alternative migration policies: ten innovative approaches to the challenges of migration in the 21st century*. Amsterdam: Amsterdam University Press.

Geiger, M., & Pécoud, A. (2010). *The Politics of International Migration Management*. London: Palgrave MacMillan.

Harris, N. (2005). *Migration and Development*. *Economic and Political Weekly*, 40(43), 4591-4595.

IOM. (2004). *Essentials of Migration Management; A Guide for Policy Makers and Practitioners*. United Nations.

- IOM. (2021). *Glossary on Migration*. Switzerland: International Organization for Migration.
- King, N. (1998). Template analysis. In G. Symon, & C. Cassell (Eds.), *Qualitative Methods and Analysis in Organizational Research*. Sage Publications Ltd.
- King, N., & Horrocks, C. (2018). *Interviews in qualitative research*. Sage.
- Lowell, B. (2001). *Policy Responses to the International Mobility of Skilled Labour*. Geneva: International Migration Branch, International Labour Office.
- Luckanachai, N., & Rieger, M. (2010). *A review of international migration policies*. International Labour Organization.
- Papademetriou, D. G. (2013). The Global and European Neighbourhood Migration Systems; Trends, Policy Choices, Governance Challenges and a Look Ahead. In E. Schrijvers, J. Holtslag, & M. Kremer, *Making Migration Work: The Future of Labour Migration in the European Union* (pp. 39-50). Amsterdam University Press.
- Patton, M. Q. (1990). *Qualitative evaluation and research methods*. Thousand Oaks, CA: Sage.
- The Economist Intelligence Unit. (2016). *Measuring well-governed migration: The 2016 Migration Governance Index*. London: The Economist Intelligence Unit.
- United Nations. (2013). *International Migration Policies; Government Views and Priorities*. United Nations.
- United Nations. (2017). *International Migration Policies Data Booklet*. United Nations.
- Williamson, O. (1994). The Institutions and Governance of Economic Development and Reform. *The World Bank Economic Review*, 8(suppl_1), 171-197.
- Williamson, O. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*, 38(3), 595-613.

References

- Abedi Jafari, Hassan; Taslimi, Mohammad Saeed; Faqihi, Abul Hassan; Sheikhzadeh, Mohammad (2011), Theme Analysis and Theme Network: A Simple and Efficient Method for Explaining Patterns in Qualitative Data, *Strategic Management Thought*, 5 (10), 151-198. (In Persian(
- Abbasi, Bijan (2011), *Human Rights and Fundamental Freedoms*, Tehran: Justice Publishing. (In Persian(
- Arab Mazar, Ali Akbar; Musharraf, painter; Mostafazadeh, Mohammad (2017), Labor migration from Iran to OECD countries and economic factors affecting it, *Economics and Modeling* (30), 63-94. (In Persian(
- Alba, F., & Castillo, M. (2012). *New approaches to migration management in Mexico and Central America*. Washington DC: Migration policy institute.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.
- Azadarmaki, Taqi; Vakili, Aref (2013), Sociological study of the concept of national identity among Iranian thinkers, *Quarterly Journal of Socio-Cultural Development Studies*, 2. (In Persian(
- Banafizadeh, Massoud; Nowruzzi, Mohammad (1392), Pathological analysis of the translation of upstream documents of the Islamic Republic of Iran. *Journal of Program and Budget*, 18 (4), 161-195. (In Persian(
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-10.
- Cohen, S. (2003). *Asylum and Immigration Control Past and Present*. Trentham Books.
- DIOC. (2020). Database on Immigration in OECD countries Retrived from ECD.

- Düvell, F. (2007). Towards sustainable migration policies. In M. Jandl, *Innovative concepts for alternative migration policies: ten innovative approaches to the challenges of migration in the 21st century*. Amsterdam: Amsterdam University Press.
- Geiger, M., & Pécoud, A. (2010). *The Politics of International Migration Management*. London: Palgrave MacMillan.
- Harris, N. (2005). Migration and Development. *Economic and Political Weekly*, 40(43), 4591-4595.
- IOM. (2004). *Essentials of Migration Management; A Guide for Policy Makers and Practitioners*. United Nations.
- IOM. (2021). *Glossary on Migration*. Switzerland: International Organization for Migration.
- Iran Statistics Center Research Institute. (1395), Identify and monitor indicators of general population policies from a statistical point of view. Iran Statistics Center Research Institute. (In Persian)
- Haidari, Hassan; Davoodi, Nermin; Talebi, Farzaneh (1395), Macroeconomic effects and part of the migration of skilled and non-skilled labor in Iran. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*, 22 (4), 42-25. (In Persian)
- King, N. (1998). Template analysis. In G. Symon, & C. Cassell (Eds.), *Qualitative Methods and Analysis in Organizational Research*. Sage Publications Ltd.
- King, N., & Horrocks, C. (2018). *Interviews in qualitative research*. Sage.
- Lowell, B. (2001). *Policy Responses to the International Mobility of Skilled Labour*. Geneva: International Migration Branch, International Labour Office.
- Luckanachai, N., & Rieger, M. (2010). *A review of international migration policies*. International Labour Organization.
- Papademetriou, D. G. (2013). The Global and European Neighbourhood Migration Systems; Trends, Policy Choices, Governance Challenges and a Look Ahead. In E. Schrijvers, J. Holtslag, & M. Kremer, *Making Migration Work: The Future of Labour Migration in the European Union* (pp. 39-50). Amsterdam University Press.
- Patton, M. Q. (1990). *Qualitative evaluation and research methods*. Thousand Oaks, CA: Sage.

- Sharif University Policy Research Institute. (1399), Iranian migration Statistical Yearbook. Tehran: Sharif University Policy Research Institute. (In Persian)
- Rabbani, Ali; Rastegar, Yasir. (2013), An Analysis of the Status of National Identity and Its Six Dimensions, *Journal of Applied Sociology*, 4 (2), 1-20. (In Persian)
- Sajjadpour, Seyed Mohammad Kazem. (1384), Conceptual and operational frameworks in international migration management. *Geographical Research Quarterly*, 20 (3), 9-30. (In Persian)
- Sajjadpour, Seyed Mohammad Kazem; Wahidi, Musa Reza (1390), New Public Diplomacy: Conceptual and Operational Frameworks. *Quarterly Journal of Politics, Journal of the Faculty of Law and Political Science*, 41 (4), 77-95. (In Persian)
- Taybi, Seyed Kamil; Emadzadeh, Mostafa; Hossouri, Hajar (2011), The effect of brain drain on economic growth in developing countries, *Journal of Economic Growth and Development Research*, 1 (2), 71-94. (In Persian)
- Motusali, Mahmoud; Fath Elahi, Jamal (2010), An Introduction to Williamson Theories and Its Application in the Analysis of Iran's Development Issues, *Quarterly Journal of Economic Research*, 10 (3). (In Persian)
- Nasiri Aqdam, Ali. (2012), Methodology of Institutional Analysis of Economic Problems, *Journal of Humanities Methodology*, 18 (71), 162-165. (In Persian)
- The Economist Intelligence Unit. (2016). *Measuring well-governed migration: The 2016 Migration Governance Index*. London: The Economist Intelligence Unit.
- United Nations. (2013). *International Migration Policies; Government Views and Priorities*. United Nations.
- United Nations. (2017). *International Migration Policies Data Booklet*. United Nations.
- Williamson, O. (1994). The Institutions and Governance of Economic Development and Reform. *The World Bank Economic Review*, 8(suppl_1), 171-197.
- Williamson, O. (2000). The New Institutional Economics: Taking Stock, Looking Ahead. *Journal of Economic Literature*, 38(3), 595-613.